

وضعیت کارگران ساعتی و روز مُزد در روزهای تعطیلِ کرونایی

به دستور مقامات سرمایه‌داری برای مبارزه با ویروس کرونا، ساعت کاری محدود می‌شود.

ساعت کاری که هیچ نظارتی روی آن نیست.

کارگرانی که هنوز ۱۰ یا ۱۲ ساعت به جای ۸ ساعت کار میکنند و هیچ مبلغی برای اضافه کاری به آن‌ها پرداخت نمی‌شود.

کارگرانی که بعد از ۵، ۷ یا ۱۰ سال سابقه‌ی کاری برای سرمایه‌دار هنوز یک روز هم از بیمه بهره‌ای نبرده‌اند. روز قبلِ محدودیت از اتحادیه‌ی کارفرمایی اصناف... برای صاحب سرمایه پیامک ارسال می‌شود: «ساعت کاری، ۱۰ صبح تا ۶ عصر...»

صاحب سرمایه هراسان از این که ۴ ساعت کمتر میتواند کارگران خود را استثمار و انباشت سرمایه کند، به فکر فرو میرود که چگونه خودش را بازسازی کرده تا در این شرایط هم سود لازم را ببرد.

استثمار و کسب سود از کارگرانی که جز نیروی کار چیزی برای فروختن ندارند.

کارگرانی که ساعتی حقوق می‌گیرند و ماهانه مبلغی از حقوقشان را بابت نهار پرداخت میکنند.

کارگرانی که بعضی با یکی دو فرزند یا حتی بیشتر هنوز زیرِ دومیلیون تومان حقوق می‌گیرند. و همچنان خبری از بیمه نیست.

کارگرانی که حقوق روزانه شان کفاف معیشتشان را هم نمیدهد و فرزندانشان از حق تحصیل محرومند.

آینده فرزندان این کارگران از پیش تعیین شده است.

صاحب سرمایه برای منفعت خودش و برای کسب سود بیشتر در این شرایط بحرانی، کاری جز استثمار کارگر ندارد.

سرمایه‌دار تصمیم می‌گیرد کارگران را به دو بخش تقسیم کند تا از آغاز محدودیت، کارگران شیفتی کار را شروع کنند.

محدودیت آغاز می‌شود و حالا کارگر ساعتی، به جای ۱۰ یا ۱۲ ساعت باید ۴ ساعت و البته با شدت بیشتر در روز کار کند و به اندازه‌ی همان ۴ ساعت حقوق بگیرد. در آن ۴ ساعت کار با شدت بیشتر، سود سرمایه‌دار مثل روزهای قبل تضمین می‌شود. تنها کارگر است که به بهانه‌ی محدودیت از حقوق سابقش کسر شده و فقط برای ۴ ساعت کارش دستمزد می‌گیرد.

محدودیتی که پیامد آن گریبانگیر طبقه‌ی کارگر می‌شود.

و کارگران جز قبول کردن شرایط چاره‌ای ندارند.

به دلیل نبودن نظارت برای محدودیت، سرمایه‌دار تصمیم می‌گیرد مغازه‌اش را ۸ صبح باز کند.

و ساعت کاری از ۸ ساعت به ۱۰ ساعت تبدیل می‌شود و کارگر مجبور می‌شود از ۸ صبح تا ۲ ظهر به کارش ادامه دهد.

و حالا کارگر ۶ ساعت کمتر از سابق کار می‌کند و حقوقش نصف شده است.

ساعت ۲ ظهر شیفت کاری عوض می‌شود، و دیگر خبری از ناهاری که پولش را هم قبلاً پرداخت کرده نیست.

و با شکم گرسنه به خانه باز می‌گردد.

شیفت دوم کاری شروع می‌شود.

و باز هم به دلیل نبودن نظارت برای محدودیت، که حاصل آن گریبانگیر طبقه‌ی کارگر می‌شود، سرمایه‌دار تصمیم می‌گیرد، از ساعت ۶ تا ۸ شب مغازه‌ی خود را به حالت نیمه باز در آورد تا کارگر ۲ ساعت در خفا برای او کار کند تا بتواند پول بیشتری به جیب بزند.

و حالا ساعت کاری از ۱۰ ساعت به ۱۲ ساعت تبدیل می‌شود.

کارگران دیگر شیفتی کار نمیکنند.

فشار کار بیشتر شده.

حقوقشان نصف شده.

و دیگر خبری از غذا که قبلاً بابتش پول پرداخت کرده‌اند نیست.

«و سرمایه‌داری در بدترین شرایط هم سود بیشتری به جیب میزند...»